

# تبلیغ و تزیین

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال پنجم - شماره هشتم

بهار و تابستان ۱۴۰۵

## تاریخچه عزاداری: از سیره معصومان علیهم السلام تا ایران امروزی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی \*

### اشاره

روایات بسیاری از معصومان علیهم السلام در تشویق به برگزاری عزای سالار شهیدان و بیان اجر معنوی آن صادر شده است. در سیره معصومان علیهم السلام نیز نمونه‌های متعددی نشان می‌دهد که هرگاه شرایط اجازه می‌داد، عزاداری می‌کردند و گاهی از جانب آنها مجلس عزا برگزار می‌شد و گاهی عزاداران و شاعران مرثیه‌گو را تکریم می‌کردند. از همان سال اول شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام، عزاداری برای شهیدان کربلا آغاز شد و شیعیان همواره عزاداری می‌کردند؛ اما از آنجا که خلفای عباسی اجازه برپایی این عمل به شکل عمومی را نمی‌دادند، جلسات عزاداری خصوصی برگزار می‌شد و هر زمان که شرایط ایجاب می‌کرد، شیعیان اقامه عزا می‌کردند.

ایرانیان از همان ابتدای اسلام به اهل بیت علیهم السلام علاقه‌مند شدند؛ زیرا رفتار حضرت علی علیه السلام با آنها عادلانه و برادرانه بود. این رفتارها گرایش ایرانیان به اهل بیت علیهم السلام را در پی داشت؛ از این رو پس از شهادت امام حسین علیه السلام تا حد امکان در قیام‌های برای خونخواهی امام حسین علیه السلام شرکت می‌کردند و از همان آغاز خود را عزادار حادثه عاشورا می‌دانستند.

### عزاداری حسینی در گفتار و رفتار معصومان علیهم السلام

سوگواری و عزاداری برای ازدست‌دادن عزیزان؛ عملی فطری است؛<sup>۱</sup> اما این عمل برای ازدست‌دادن اولیای الهی، نزد خدا اجر دارد. بر اساس گزارش‌های تاریخی، پیشینه عزاداری به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌گردد؛ برای نمونه در گزارشی آمده است پس از غزوه احد، زنان مدینه برای کشته‌هایشان سوگواری می‌کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن این صحنه گفت: حمزه گریه‌کنی ندارد؛

\* دکترای تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. جعفر سبحانی، بحوث قرآنیة فی توحید و الشریک، ص ۱۴۰.

از این روزنان برای حمزه بن عبدالمطلب هم سوگواری کردند.<sup>۱</sup>

فراق معصومان علیهم السلام برای پیروان آنها بسیار سخت است؛ اما شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش در روز عاشورا حادثه‌ای منحصر به فرد است که عزاداری و احیای امر و زنده‌نگه‌داشتن آن را معصومان علیهم السلام سفارش کرده‌اند؛ بر همین اساس روایات بسیاری از معصومان علیهم السلام بیان‌کننده اجر اخروی فراوانی برای این امر است؛ از جمله امام رضا علیه السلام به ریان بن شیب می‌فرماید: «ای پسر شیب، اگر برای چیزی گریه می‌کنی، برای حسین بن علی علیه السلام گریه کن... ای پسر شیب، اگر چنان بر حسین علیه السلام گریه کنی که اشک‌هایت بر گونه‌ات جاری شود، خداوند همه گناهان کوچک و بزرگت را می‌بخشد».<sup>۲</sup>

ائمه علیهم السلام خود نیز بر این امر مبادرت می‌ورزیدند. بنا بر روایتی از امام رضا علیه السلام، امامان و اهل بیت علیهم السلام آن قدر در رثای امام حسین علیه السلام گریه کردند که پلک‌هایشان زخم شد، اشکشان جاری گردید و اندوه و گرفتاری بسیاری برایشان در پی داشت.<sup>۳</sup> در ادامه به برخی از نمونه‌های تاریخی اشاره می‌شود.

### امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در زمان امامت خود همواره در صدد زنده‌نگه‌داشتن حماسه کربلا بود و از هر فرصتی برای عزاداری استفاده می‌کرد و همواره می‌کوشید یاد و خاطره شهیدان کربلا را زنده نگه دارد. این امام بزرگوار در مصیبت پدرش، چهل سال گریست؛ در حالی که روزها روزه‌دار و شب‌ها شب‌زنده‌داری می‌کرد. هنگام افطار که غذا برایش می‌بردند، می‌فرمود: «پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی به شهادت رسید که گرسنه بود؛ در حالی که تشنه بود، به شهادت رسید و پیوسته این مسئله را تکرار می‌کرد و گریان می‌شد تا اشک چشمش با غذا آمیخته می‌شد و این وضعیت تا آخر عمرشان برقرار بود تا به شهادت رسید».<sup>۴</sup>

شاید امام سجاد علیه السلام نخستین کسی باشد که عزاداران حسینی را اطعام کرده است؛ زنان بنی‌هاشم همواره عزادار بودند و در عزاداری امام حسین علیه السلام به سوگ می‌نشستند.<sup>۵</sup> در این هنگام

۱. اسماعیل ابن‌کثیر، البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۵۵.

۲. محمد بن علی شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۹ - ۳۰۰.

۳. همو، الامالی، ص ۱۲۸.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۹.

۵. محمد بن حسن شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۳۲۵.

امام زین العابدین با آن جایگاه رفیع، برای آنها غذا طبخ می کرد.<sup>۱</sup> حضرت آن قدر در عزای پدر سوگواری و گریه کرد که امام صادق علیه السلام ایشان را یکی از «بکائین پنج گانه: زیاد گریه کنندگان» معرفی می کرد.<sup>۲</sup> به ایشان عرض کردند: یابن رسول الله، آیا هنوز پایان حزن و اندوه شما فرانسیده است؟ فرمود: یعقوب علیه السلام دارای دوازده فرزند بود؛ خداوند یکی از آنان را از جلوی چشمش دور و پنهان نمود؛ (درحالی که) فرزندش حیات داشت، چشمان یعقوب از اندوه سفید شد؛ اما من در جلوی چشمانم شاهد بودم که پدرم، برادرم، عمویم، هفده تن از اهل بیتم و گروهی از یاران پدرم را به قتل رساندند و سرهایشان را از تن جدا کردند؛ چگونه اندوه من پایان یابد؟<sup>۳</sup>

حضرت سجاد علیه السلام گاهی تشنگی کربلا را به یاد می آورد و می فرمود: «چرا گریه نکنم؛ درحالی که پدرم را از آبی منع کردند که برای تمام درندگان و حیوانات آزاد بود؟»<sup>۴</sup>

### امام صادق علیه السلام

زید الشحّام از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید روزی نزد ایشان بودیم که جعفر بن عثمان وارد شد و نزدیک امام نشست. امام به او فرمود: شنیده ام که تو درباره حسین علیه السلام شعر می گویی. جعفر گفت: آری. با درخواست امام، جعفر اشعاری در رثای امام حسین علیه السلام خواند و امام و جمع حاضر گریه کردند. اشک بر چهره امام جاری گشت و فرمود: «ای جعفر، فرشتگان مقرب الهی سخن تو را شنیدند و گریه کردند؛ همچنان که ما گریه کردیم. سپس فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْخُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ غَفَرَ لَهُ: کسی که برای حسین علیه السلام شعر بگوید، خود گریه کند و دیگران را بگریاند، خدا بهشت را بر او واجب می کند و گناهایش را می آمرزد.»<sup>۵</sup>

مرثیه خوانی به نام هارون مکفوف نیز نقل می کند به محضر آن حضرت شرفیاب شدم، فرمود: برایم مرثیه بخوان. برایش خواندم. فرمود: «لا، کَمَا تَنْشِدُونَ وَ کَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ: این نمی خواهم، آن گونه که در کنار قبر آن حضرت علیه السلام مرثیه می خوانید، بخوان» و من خواندم: «أُمُرُّ

۱. احمد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۹.

۲. محمد بن علی شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۳. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۶.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۶۶.

۵. محمد کشی، رجال کشی، ج ۲، ص ۵۷۵.

عَلَى جَدَّتِ الْحُسَيْنِ . فَقُلْ لَأَعْظِمَهُ الرَّكِيهَ: از کنار قبر حسین علیه السلام گذر کن و به آن استخوان‌های پاک او بگو...»؛ دیدم آن حضرت به گریه افتاد، سکوت کردم؛ ولی فرمود: ادامه بده.<sup>۱</sup>

### امام کاظم علیه السلام

امام رضا علیه السلام درباره سیره عزاداری پدرشان موسی بن جعفر علیه السلام برای حادثه جان‌گداز کربلا می‌فرماید: «هرگاه ماه محرم شروع می‌شد، پدرم موسی بن جعفر را خندان نمی‌دیدیم و عزادار بود تا اینکه اوج مصیبت او در روز عاشورا بود و می‌فرمود امروز روزی است که حسین علیه السلام به شهادت رسید».<sup>۲</sup>

### امام رضا علیه السلام

دعبل خزاعی می‌گوید در ایام عزای امام حسین علیه السلام محضر حضرت رضا علیه السلام رسیدم، فرمودند: «... يَا دَعْبِلُ أَحِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامَ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَيَّامَ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَيَّ أَغْدَائِنَا خُصُوصًا بِنِي أُمِّيَّةَ يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى عَلَيَّ مُصَابِنَا وَ لَوْ وَاحِدًا كَانَ أَجْرُهُ عَلَيَّ اللَّهُ: <sup>۳</sup> ای دعبل، دوست دارم برایم شعری بسرایی؛ زیرا این ایام، روزهای اندوه و ماتم ما و شادی دشمنان ما به‌ویژه بنی‌امیه است. ای دعبل، کسی که گریه کند یا دیگران را بر مصایب ما بگریاند، حتی اگر یک نفر باشد، اجر او بر خدای متعال است».

### حضرت مهدی علیه السلام

بی‌شک امام زمان علیه السلام سیره پدران بزرگوار خود را استمرار بخشید و بر جد بزرگش حسین بن علی علیه السلام می‌گرید؛ چنان‌که در زیارت «ناحیه مقدسه» آمده است آن حضرت خطاب به جدشان امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «لَأَتُذَبِّكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً، وَ لَأَبْكِيَنَّ عَلَيَّكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا؛ هر صبح‌گاه و شام‌گاه بر تو ای جد بزرگوار می‌گریم و آن‌چنان گریه می‌کنم که به جای اشک، خون از چشمانم جاری شود».

بنابراین عزاداری ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد و امامان معصوم علیهم السلام هم خود به اقامه آن می‌پرداختند و هم مردم را به برپایی آن تشویق می‌کردند.

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۵

۲. محمد بن علی شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۲۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

۴. محمد بن جعفر ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۷۰۱.

### علاقه ایرانیان به امام حسین علیه السلام

علاقه ایرانیان به اهل بیت علیهم السلام تاریخچه‌ای به درازای تاریخ اسلام دارد. این علاقه از صدر اسلام آغاز شد و در طول تاریخ ادامه یافت تا به امروز که ایرانیان پرچم دار اسلام و شیعه امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستند. این علاقه ریشه در رفتار عدالت‌محور اهل بیت علیهم السلام داشته است؛ از جمله هنگامی که دوزن یکی عرب و دیگری عجم برای دریافت سهم بیت‌المال خدمت حضرت رسیدند، امام به هر دو مساوی عطا کرد، اما بانوی عرب زبان به اعتراض گشود؛ حضرت علی علیه السلام فرمود: «من برای فرزندان اسماعیل در این مال برتری بر فرزندان اسحاق نمی‌بینم»؛<sup>۱</sup> کنایه از اینکه همه با هم برابرند و عرب بر عجم برتری ندارد. این شیوه، گرایش ایرانیان به امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در پی داشت.

ایرانیان در بیشتر معادلات تاریخی در سمت اهل بیت علیهم السلام قرار داشتند؛ از این رو هنگامی که مختار پرچم «یالثارات الحسین علیهم السلام» را برافراشت،<sup>۲</sup> ایرانیان چنان زیر این پرچم جان‌فشانی کردند که در سپاه ابراهیم بن مالک اشتر به ندرت کسی پیدا می‌شد که عربی صحبت کند؛ زیرا همه فارس‌زبان بودند.<sup>۳</sup> همچنین هنگامی که یحیی بن زید نوه امام حسین علیه السلام در خراسان به شهادت رسید، در شرق ایران همه نوزادهای پسر را یحیی نامیدند.<sup>۴</sup> آنان سپاه بر تن کردند و تا هنگام قیام ابومسلم این لباس عزا را از تن بیرون نکردند.<sup>۵</sup> ابومسلم نیز بر موج این علاقه سوار شد و با شعار «یالثارات الحسین علیهم السلام» ضد بنی‌امیه قیام کرد.<sup>۶</sup> خراسانیان ابتدا یک هفته عزاداری کردند<sup>۷</sup> و سپس با پیوستن به ابومسلم، دودمان بنی‌امیه را تارومار کردند و آنها را از تخت خلافت به پایین کشیدند.<sup>۸</sup>

### تاریخچه عزاداری ایرانیان در عزای حسینی

ریشه عزاداری ایرانیان برای امام حسین علیه السلام به فرهنگ حقیقت‌جوی ایرانی برمی‌گردد که در مکتب

۱. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۵۰.
۲. محمد بن حسن شیخ طوسی، الامالی، ص ۲۴۵.
۳. احمد دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۹۳-۲۹۴.
۴. علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۲۱۳.
۵. محمد بن حبيب بغدادی، کتاب المحبر، ص ۴۸۴.
۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۷، ص ۳۵۸.
۷. علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۲۱۳.
۸. مصطفی محسنی، «رابطه اهل بیت علیهم السلام با ایرانیان»، ص ۹۵.

اهل‌بیت علیهم‌السلام غنا و ارتقا یافت؛ اما این سنت حسنه، الگوبرداری از عزاداری‌های پیش از اسلام در ایران باستان نیست. متأسفانه وهابیت درصدد است این سنت حسنه را برگرفته از رسوم ایران پیش از اسلام بدانند و برخی نیز در داخل کشور به آن دامن می‌زنند؛ از جمله نخل‌گردانی که نشانهٔ محمل و کجاوهٔ کاروان حسینی است را به داستان‌های افسانه‌ای پیش از اسلام مرتبط می‌کنند.<sup>۱</sup> درحالی‌که مراسم عزاداری به ایرانیان اختصاص ندارد و هر جا شیعیان به قدرت رسیدند، با تمسک به امامان علیهم‌السلام در پی احیای عزای حسینی بودند و ایران نیز بخشی از آن بود. بر همین اساس در هر جا با توجه به فرهنگ و مقتضای محیطی، نوعی از عزاداری رواج یافت؛ برای مثال در اردبیل تشت‌گذاری و در اردکان نخل‌گردانی.<sup>۲</sup>

سلسلهٔ صفویه را نیز نمی‌توان مؤسس عزاداری‌ها بر اهل‌بیت علیهم‌السلام دانست و کسانی که چنین ادعایی می‌کنند، از تاریخچهٔ عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام در دوران قبل از صفویه در ایران آگاهی ندارند؛ چراکه ایرانیان پیش از صفویه نیز به این امر اهتمام داشتند. ایرانیان به اهل‌بیت علیهم‌السلام علاقه‌مند بودند؛ از این‌رو هنگامی که اهل‌بیت علیهم‌السلام به پیروان خود توصیه کردند برای امام حسین علیه‌السلام عزاداری کنند، ایرانیان به همراهی دیگر مسلمانان و شیعیان جزء نخستین کسانی بودند که به ندای اهل‌بیت علیهم‌السلام لبیک گفتند. ایرانیان هرگاه که قدرت پیدا می‌کردند و زمینه فراهم می‌شد یا به انتقام از خون امام حسین علیه‌السلام اقدام می‌کردند یا به عزاداری برای شهیدان کربلا می‌پرداختند.

هفتصد سال قبل از صفویه، آل‌بویه شیعی - ایرانی در ایران و سپس عراق به قدرت رسیدند و بر بغداد مسلط شدند. یکی از امیران آنها به نام معزالدوله دیلمی، روز عاشورای سال ۳۵۲ قمری عزای عمومی اعلام کرد و از مردم خواست که جامه سیاه بر تن کنند؛ از این‌رو زنان چهره سیاه کردند، از خانه‌ها خارج شدند و بر سر و صورت خود می‌زدند و در عزای امام حسین علیه‌السلام می‌گریستند.<sup>۳</sup>

به دستور امیر آل‌بویه، روز عاشورا تعطیلی عمومی اعلام شد؛ از این‌رو در بازارها چادرهایی برپا کردند و مراسم عزاداری برگزار شد.<sup>۴</sup> البته این اختصاص به ایران نداشت که عزاداری آنان را

۱. مصطفی سعادت، «رابطه تابوت‌واره نخل با درخت خرما»، ص ۹ - ۲۶.

۲. امراله تشدید، عملیات در اتاق بزرگ، ص ۸۳۰.

۳. عبدالرحمن ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۳، ص ۴۲۵.

۴. عبدالرحمن ابن‌جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۷، ص ۱۵.

ادامه عزاداری‌های پیش از اسلام بدانیم؛ زیرا در مصر نیز در سال ۳۶۳ قمری؛ المعز لدین‌الله خلیفه فاطمی در روز عاشورا بازارها را تعطیل کرد و مردم به همراه لشکریان و کشوریان بعد از عزاداری در جامعه الازهر به سوی مشهد رأس الحسین علیه السلام می‌رفتند و در آنجا به عزاداری و خواندن شعر و نوحه می‌پرداختند.<sup>۱</sup> عزاداری دولت‌مردان در قصر خلفا و مردم عادی بر سر مزار ام‌کلثوم دختر حضرت علی علیه السلام و سیده نفیسه (نواده امام حسن مجتبی علیه السلام) برقرار بود.<sup>۲</sup> در دوره سلجوقیان نیز عزاداری در ایران برقرار بود<sup>۳</sup> و این مراسم در شهرهای مختلف ایران برگزار می‌شد. در دوره تیموریان نیز در هرات و در ماه محرم، برای امام حسین علیه السلام عزاداری می‌کردند و حتی شاهزادگان و امرا نیز در آن مراسم شرکت داشتند.<sup>۴</sup> همین امر سبب شد عزاداری در شرق ایران به مثابه یک سنت دایر ادامه یابد و بزرگان هرات از ملاحسین کاشفی خواستند متنی جامع و فارسی برای ذکر مصایب امام حسین علیه السلام بنگارد.<sup>۵</sup> ملاحسین نیز در قرن نهم و پیش از به قدرت رسیدن صفویه، کتاب روضة الشهداء را تألیف کرد که بدون اغراق مهم‌ترین کتاب در تاریخ عاشورا از حیث تأثیرگذاری و شهرت تا آن زمان بود. این کتاب و دلیل تألیف و استقبال بی‌نمونه از آن در جای‌جای ایران، سند مهمی است که مجالس سالانه سوگواری عاشورا به شکل بسیار حاد در آن زمان رایج بوده است.<sup>۶</sup> این کتاب در جامعه ایرانی چنان نشر و توزیع شد که نام مجلس امام حسین علیه السلام را از تعزیه و مرثیه‌خوانی به «روضه‌خوانی» تغییر داد و مرثیه‌خوانان به «روضه‌خوانان» مشهور شدند. از تأثیرات این کتاب، ایجاد موج اهل‌بیت‌دوستی بیشتر در ایران بود<sup>۷</sup> و این کتاب موجی ایجاد کرد که صفویه بر آن سوار شد. حتی تأثیر این کتاب تا هند پیش رفت و دولت مغولان و گورکانیان هند مراسم عزاداری برای امام حسین علیه السلام را برپا می‌داشتند.<sup>۸</sup>

۱. احمد بن علی مقریزی، إتحاف الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۳۲۹.

۲. همان، ص ۳۲۲ - ۳۳۰.

۳. سیدعبدالعزیز الطباطبائی، معجم اعلام الشیعه، ص ۲۹۶.

۴. معین‌الدین محمد اسفزاری، روضات الجنات فی وصف مدینه هرات، ج ۱، ص ۲۶۹.

۵. رسول جعفریان، «ملاحسین واعظ کاشفی و کتاب روضة الشهداء»، ص ۲۶۲.

۶. همان، ص ۳۵۷.

۷. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۸۴۵.

۸. ر.ک: جان نورمن هالیستر، تشیع در هند، ص ۱۹۹-۲۰۲.

### کتابنامه

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، حیدرآباد دکن: دائرةالمعارف العثمانیه، ۱۳۵۸ ق.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه، ۱۳۷۸ ق.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، مصحح: عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۵. ابن کثیر، اسماعیل، البدایه و النهایه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۶. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۷. اسفزاری، معین الدین محمد، روضات الجنّات فی وصف مدینه هرات، به کوشش محمد اسحاق، [بی جا]: مطبعه زریاسری، [بی تا].
۸. برقی، احمد، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، ج ۲، قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۹. بغدادی، محمد بن حبیب، کتاب المحبر، تحقیق: الیزه لیختن شتیر، بیروت: دارالافاق الجدیده، [بی تا].
۱۰. تشدید، امرالله، عملیات در اتاق بزرگ، اردکان: [بی نا]، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
۱۲. جعفریان، رسول، «ملاحسین واعظ کاشفی و کتاب روضه الشهداء»، دوماهنامه آینه پژوهش، ش ۳۳، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، تهران: علم، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. دینوری، احمد، الاخبار الطوال، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۱۶. سبحانی، جعفر، بحوث قرآنیه فی توحید و الشرك، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۹ ق.
۱۷. سعادت، مصطفی، «رابطه تابوت واره نخل با درخت خرما»، فصلنامه فرهنگ یزد، دوره ۱، ش ۴، ۱۳۹۸ ش.

۱۸. شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، چ ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۹. \_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق و تصحیح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. \_\_\_\_\_، تهذیب الأحکام، مصحح: حسن الموسوی خراسان، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. الطباطبائی، سید عبدالعزیز، معجم اعلام الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ش.
۲۴. کشی، محمد، رجال کشی، مصحح: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۳۶۳ ش.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۶. محسنی، مصطفی، «رابطه اهل بیت علیهم السلام با ایرانیان»، فصلنامه علمی تخصصی پاسخ، س ۷، ش ۲۶، ۱۴۰۱ ش، ص ۸۵-۱۰۰.
۲۷. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، چ ۲، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. مقریزی، احمد بن علی، إتحاظ الحنفاء بأخبار الأئمه الفاطمیین الخلفاء، قاهره: وزاره الاوقاف، ۱۴۱۶ ق.
۲۹. هالیستر، جان نورمن، تشیع در هند، ترجمه: آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ ش.